

مقدمه

اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه گذشته به صورت روز افزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. تغییر رویکرد چاپ چهارم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (DSM-IV) در سال ۱۹۹۴، مبنی بر ارائه یک طبقه (وی-کد) جدید، که مشخصاً به مشکلات دینی و معنوی اشاره دارد، دلیل این مدعا است. معرفی این کد تازه، اهمیت کسب صلاحیت و شایستگی درمانگران را در مورد مسایل اعتقادی، دینی و معنوی مطرح می‌سازد. اقتضای چنین بینشی این است که دین و معنویت، ابزارهای روان درمان بخش به شمار آیند (اسپیلکا و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۷۰۲). اظهارات ضد مذهبی، نظیر این گفته الیس (۱۹۸۸)، که «بیماران هر چه کمتر مذهبی باشند، از لحاظ عاطفی و هیجانی سالم‌تر خواهند بود»، نه تنها بی‌مبنا و مغایر با نتایج بسیاری از پژوهش‌هاست، کم‌کم رو به زوال گذاشته است. تا جایی که خود الیس، اکنون گمان می‌کند که «عقاید مذهبی، که وی زمانی آنها را نامعقول می‌دید، بالقوه برای برخی از مراجعان مفیدند. مؤمنان هم عقایدی معقول دارند که آنها را یاری می‌دهد» (الیس، ۲۰۰۰).

مفهوم «خدا»، یکی از بنیادی‌ترین مقوله‌های زندگی بشری است، که در حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی دین، مورد توجه قرار گرفته است. تمدن‌ها، فرهنگ‌ها، آداب و ادیان مختلف، متأثر از این مفهوم در تاریخ بشر به منصه ظهور رسیده‌اند (عبدالکریمی، ۱۳۸۱؛ موحد و صفا، ۱۳۸۸) و بر سبک زندگی جوامع تأثیر گذاشته است.

امروزه «سبک زندگی» در سطح بین‌المللی، به موضوعی شناخته شده در آمده و در بیشتر علوم از جمله جامعه‌شناسی، پزشکی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی و مدیریت مطرح شده و از ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است. به این مفهوم، گاه به معنای محدود آن، مثل نحوه نشستن، راه رفتن، و سلامت عمومی، آن‌گونه که کانسر (۲۰۰۷) در پرسش‌نامه سلامتی و سبک زندگی مطرح کرده و گاه، به معنای وسیع‌تر آن، مشی کلی فرد در جهت رسیدن به اهداف و غلبه بر مشکلات (ر.ک: آدلر، ۱۳۷۰) و گاه، به معنای بسیار گسترده‌تر، مثل مدل سبک زندگی تجویزی اسلام (کاوایانی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۸) پرداخته شده است.

روان‌شناسی و علوم دیگری که به مطالعه سبک زندگی پرداخته‌اند، بیش از آنکه به شناخت‌ها و عواطف فرد به عنوان سازه‌های ذهنی توجه کنند، رفتارهای فرد را به‌طور عینی و مشهود مورد مطالعه قرار می‌دهند. ولی «سبک زندگی اسلامی»، قدری متفاوت است: از این جهت که «سبک» است، به

الگوی مفهومی ابعاد تصور از خدا بر اساس اسماء حسنا مبنایی برای مطالعات سبک زندگی اسلامی و روان‌شناسی دین

brabadihossiena@yahoo.com

کحسین احمد برابادی / استادیار مشاوره دانشگاه بجنورد

معصومه اسمعیلی / دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

حسین سلیمی بجنستانی / استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

سیدمحمد کلانتر کوشه / استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

دریافت: ۱۳۹۲/۹/۳ - پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۷

چکیده

این پژوهش به منظور تعیین ابعاد تصور از خدا، بر اساس اسماء حسنا و ارائه الگویی مفهومی برای مطالعات مربوط به سبک زندگی اسلامی و روان‌شناسی دینی، انجام شده است. بدین‌منظور، آیات قرآن کریم و حدیث معروف پیامبر اعظم^ص که در آن ۹۹ اسم خداوند بیان شده، مورد بررسی قرار گرفتند. این پژوهش از نوع مطالعات کیفی و مبتنی بر روش تحلیل محتوی بود. نتیجه پژوهش نشان داد که تصور از خدا، بر اساس اسماء حسنا، به دو بعد کلی اشاره دارند: اول، اسمایی که منشأ آنها ملاحظه ذات خداوند، بدون در نظر گرفتن^بغیر می‌باشد و شامل ابعاد ذات، تنزیه و عظمت و بزرگی می‌شوند. دوم، اسمایی که به ارتباط خداوند با جهان آفرینش اشاره دارند. این ارتباط، در دو زمینه است: ۱. زمینه خلق: اسمایی که مربوط به آفرینش و ساختار عمومی آفرینش هستند. این اسماء ذیل ابعاد دانایی، توانایی، کارایی، کاردانی، حفاظت، هدایت و تسلط قرار می‌گیرند. ۲. زمینه امر: اسمایی که به ربوبیت خدا و رابطه دوجانبه خدا و مخلوقات اشاره دارد. این اسماء ذیل ابعاد تدارک دهنده منافع و امکانات، بر طرف کننده موانع و آسیب‌ها، کنترل و حسابرسی، و استعانت و فریادرسی قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: تصور از خدا، اسماء حسنا، سبک زندگی.

رفتار می‌پردازد و با شناخت‌ها و عواطف ارتباط مستقیم ندارد و از این جهت که «اسلامی» است، نمی‌تواند با عواطف و شناخت‌ها بی‌ارتباط باشد. با تشبیه سبک زندگی به تسبیح، در واقع در سبک زندگی اسلامی، بر خلاف بررسی سبک زندگی در سایر علوم، که فقط به مهره‌ها (رفتارهای بیرونی) می‌پردازند، هم به مهره‌ها (رفتارها) و هم به نخ تشبیه (عقاید و باورهای درونی شده نسبت به هستی، خود و خدا) می‌پردازد (همان، ص ۱۸-۱۹).

تعالیم اسلام بر سه محور اعتقادات، اخلاقیات و وظایف عملی قرار دارد (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۴۴)، که در سرلوحه اصول اعتقادی اسلام، اعتقاد به خداوند و توحید است. علامه مصباح یزدی (۱۳۶۹)، طبقه‌بندی مطلوب معارف اسلامی را بر اساس و محور «الله» می‌داند و سایر معارف دین را منشعب از این محور اساسی در نظر می‌گیرد. بنابراین، مفهوم خدا و تصویری که افراد از خدا دارند، به این دلیل که در همه جنبه‌های زندگی فرد تأثیرگذار است، یک مفهوم محوری در مطالعات مربوط به سبک زندگی می‌باشد. از آنجاکه این پژوهش بر مبنای هستی‌شناسی اسلامی انجام شده است، این سؤال مطرح شود که آیا تصور از خدا در هستی‌شناسی اسلامی جایگاهی دارد؟

شهید مطهری معتقد است: پیش‌نیاز اعتقاد و معرفت خداوند تصدیق بوده، و تصدیق فرع بر تصور است. اگر تصور خدا غیرممکن باشد، تصدیق و اعتقاد به او نیز غیرممکن خواهد بود (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۱۰۰۸). ممکن است گفته شود: چون بر خدا احاطه نداریم، تصورش غیرممکن است. علامه مطهری برای حل این مسئله می‌گوید: چند راه وجود دارد: ۱. از شکاکان پیروی کنیم که می‌گویند: خداوند فرضاً وجود داشته باشد، از دسترس فکر بشر که بتواند درباره او نغیاً یا اثباتاً حکم کند، خارج است؛ ۲. یا عقیده «معطله» را بپذیریم که منکر معرفت به ذات باری می‌باشند و می‌گویند: خداوند را با عقل نمی‌توان شناخت، کمیت عقل در این میدان لنگ است. حداکثر معرفت همان اعتقاد عوام‌الناس است که یک عقیده مبهم در این زمینه پیدا کرده‌اند؛ ۳. یا عقیده عرفا را بپذیریم که به نوعی دیگر، منکر معرفت عقلی می‌باشند، ولی آنها منکر معرفت نیستند، بلکه طرفدار معرفت قلبی و شهودی می‌باشند و برای آن ارزش فوق‌العاده قائلند؛ ۴. بپذیریم که خدا قابل تصور است، ولی چگونه؟

از مقاله شهید مطهری با عنوان «پیدایش کثرت در ادراکات»، چنین استنباط می‌شود که تصور خداوند از نوع تصور ماهیات نیست تا لازم آید ذهن قبلاً به فرد و مصداق آن از راه حواس ظاهره یا باطنه رسیده باشد، تا بتواند آن را تخیل و سپس تعقل نماید، بلکه این تصور از نوع تصور آن سلسله معانی و مفاهیم است که «معقولات ثانیة فلسفی» نامیده می‌شود. از قبیل مفهوم «وجود»، «وجوب»،

«قدم»، «علیت» و امثال اینها. این‌گونه تصورات که انتزاعی می‌باشند، نه مسبوقند به صورت حسی و نه به صورت خیالی، بلکه عقل مستقیماً آنها را از صور حسی و خیالی انتزاع می‌کند. این‌گونه تصورات، همواره به صورت کلی در ذهن وجود دارند. بنابراین، تصور ذات باری از قبیل تصور مفهوم وجود و مفهوم وجوب و امثال اینهاست، با این تفاوت که تصور خداوند از ناحیه ترکیب چند مفهوم از این مفاهیم، یا یکی از این مفاهیم با مفهومی از نوع ماهیات صورت می‌گیرد. از قبیل مفهوم «واجب‌الوجود»، «علت نخستین»، «خالق» و غیره.

عنان‌پور خیرآبادی (۱۳۹۱)، مبانی سبک زندگی اسلامی را از منظر قرآن بررسی کرده است. وی در ارائه مبانی اعتقادی مسلمانان اصولی را مطرح می‌کند: ۱. اصل خالقیت و ربوبیت الهی، ۲. اصل مالکیت الهی، ۳. اصل هدفداری جهان آفرینش، ۴. اصل اعتقاد به معاد، ۵. اصل خلافت و جانشینی انسان بر روی زمین، ۶. اصل مسئولیت‌پذیری انسان، ۷. اصل اختیار انسان. این اصول در حقیقت، به همان باورهای درونی شده درباره خدا، هستی و انسان اشاره دارد که در حقیقت، جهت‌دهنده سبک زندگی مؤمنان قرار می‌گیرد. به دلیل اهمیت اعتقادات در سبک زندگی اسلامی، کاویانی (۱۳۹۱) یکی از مؤلفه‌های پرسش‌نامه سبک زندگی اسلامی را به مؤلفه باورها اختصاص داده است.

برای داشتن یک الگو، از سبک زندگی اسلامی، در گام نخست، نیازمند نظریه‌پردازی‌های مفهومی درباره اعتقادات اسلامی، به‌ویژه در مورد خدا هستیم. به نظر می‌رسد، اسما حسنا الهی، قابلیت آن را دارند که در ارائه یک تصور صحیح و جامع از خداوند، به منظور ارائه یک الگوی مفهومی به کار روند. این مطالعه تلاشی است برای رسیدن به این هدف.

مفهوم «خدا» و تصویری که افراد درباره خدا دارند، علاوه بر اهمیتی که در مطالعات مربوط به سبک زندگی دارد، جای خود را در پژوهش‌های روان‌شناسی معاصر باز کرده است. مفهوم «خدا»، یعنی درک عقلانی و اعتقاداتی که فرد نسبت به خدا دارد. تصور از خداوند، حالتی روان‌شناسی است که به چگونگی احساس فرد نسبت به خداوند و برداشت و درک فرد مبنی بر چگونگی احساس خداوند نسبت به وی مربوط می‌شود (گریمز، ۲۰۰۷). تصور از خدا، یک مدل کارکرد درون روانی است که فرد، «خدا» را بدان گونه و در آن قالب تصور می‌کند (گاتیس، ۲۰۰۱، ص ۴۷).

مفهوم تصور از خدا، در مکتب روان‌شناسی تحلیلی ریشه دارد. هرتل (۱۹۹۵) درباره تصور از خدا که به تعبیر ادیان یک موهبت و راهنمای درونی و ذاتی است، معتقد است که تصور از خدا یک الگوی شناختی-عاطفی است که از طریق نخستین ارتباطات کودک با افراد مهم زندگی و مراقبش شکل

گرفته و در سراسر زندگی همراه با رشد و بلوغ فرد، بارها و بارها تجدید می‌گردد. این الگو جهت‌گیری، رفتار و احساس فرد در ارتباط با خدا را هدایت می‌کند. به همین دلیل، ادراک خدا مجموعه‌ای منسجم از آخرین سطح ادراکی فرد در مسائل انتزاعی و امور ماورایی است.

این متغیر روانی (تصور از خدا)، حکایت از کیفیت ارتباط با خدا دارد که یکی از مهم‌ترین ارتباطات فرد بوده و بررسی آن می‌تواند کیفیت دیگر ارتباطات مهم زندگی روانی فرد را به ما بشناساند (لاندین، ۱۹۹۶، ص ۷۴). همچنین در صورتی که صحبت از شناخت افراد و شخصیت ایشان به میان باشد و بخواهیم سازه‌های روانی انتخاب کنیم تا با بررسی آن به بسیاری از خصایص روانی افراد پی ببریم، ادراک فرد از خدا و تصویری که به آن دست یافته، بسیار مهم خواهد بود (لاورنس، ۱۹۹۷، ص ۲۱۷؛ ریزوتو، ۲۰۰۵، ص ۳۵؛ دیروس، ۲۰۰۶، ص ۱۰۱؛ پلوسو، ۲۰۰۸، ص ۱۷؛ کلیتون و استراب، ۲۰۱۰، ص ۱۰۳؛ گروسمن، ۲۰۱۰، ص ۱۹۰).

بسیاری از پژوهش‌ها، به بررسی رابطه تصور از خدا با سایر متغیرهای روان‌شناختی پرداخته‌اند که نشانه اهمیت این مفهوم در دنیای روان‌شناسی است. از جمله، تصور از خدا و امید به بهبودی در بیماران سرطانی (شرایبر و کتاک، ۲۰۰۹)، تصور از خدا و وحدت شخصیت (بامن، ۲۰۱۰)، دل‌بستگی به خدا و سلامت روان (اکوزی، ۲۰۱۰)، تصور از خدا و شکایت جسمانی، وسواس - بی‌اختیاری، حساسیت بین فردی، افسردگی، اضطراب، خصومت، ترس مرضی، افکار پارانوئیدی و روان‌پریشی (برادشاو و همکاران، ۲۰۰۸)، مقابله‌های روان‌شناختی و تصور از خدا (فلانلی و همکاران، ۲۰۰۹)، تصور از خدا با ناامیدی و افسردگی (برام و همکاران، ۲۰۰۸ الف). تحقیقات نشان می‌دهد که انگاره ذهنی مثبت به خدا داشتن و ارتباط نزدیک با خداوند را حفظ کردن موجب افزایش سلامت روان می‌شود (قنبری و همکاران، ۱۳۹۱).

در حقیقت، معنویت و تصور از خدا امری همگانی است که ممکن است هوشیار یا ناهوشیار، رشد یافته یا رشد نیافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده، و مفید یا خطرناک باشد (واگان، ۲۰۰۲). بنابراین، تصور غلط و بیمارگونه از خدا به هر دلیل، آسیب‌زا است. بنابراین، ضرورت دارد این مفهوم در ارزیابی‌ها و مداخلات مشاوران و روان‌شناسان مورد توجه جدی قرار گرفته و پژوهش‌هایی در حوزه نظری و عملی را به خود اختصاص دهد.

اصلاح تصور از خدا در ادیان توحیدی، از جایگاه بسیار مهمی برخوردار بوده و هر یک از کتب آسمانی، در آیات خود سیمای ویژه‌ای از خداوند به دست می‌دهد که شناخت آن، نقش بسیار مهمی در

فهم سایر معارف دینی و میزان تعهد به دستورهای الهی دارد. کامل‌ترین سیمای خداوند در قرآن ظهور یافته است. قرآن ظرف تجلی کامل اسما و صفات پروردگار است.

اسماء حسنی یا نام‌های نیکوی خداوند، نام‌هایی هستند که در اسلام برای «الله» به کار رفته‌است. غالباً شمار این نام‌ها را ۹۹ نام دانسته‌اند که بیشتر آن در قرآن آمده است. برخی دیگر براین باورند که شمار آنها بیشتر است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۳۲؛ شجاعی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵). موضوع نام‌های نیکوی خداوند از دیر باز مورد توجه اندیشمندان تاریخ تمدن اسلامی بوده است و شروح گوناگون از منظرهای متفاوت (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ ج، ص ۲۰۶-۲۰۷؛ همو، ۱۳۸۵، ص ۵۴۳؛ همو، ۱۳۸۵ الف، ص ۲۶۳؛ همو، ۱۳۸۵، ص ۱۶؛ همو، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱؛ ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۰، ص ۳۷-۳۸؛ منصوری لاریجانی، ۱۳۹۰، ص ۱ و ۹۰؛ آینه‌وند و نیازی، ۱۳۷۹؛ شهیدی، ۱۳۹۱؛ شنکایی، ۱۳۸۸) بر اسما الهی نگاشته شده است. بر اساس هستی‌شناسی اسلامی، رابطه خدا با جهان و انسان مشخص شده است (اسمعیلی، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد، بتوان کیفیت این ارتباط را در الگوی اسما حسنا یافت.

آنجا که رویکردهای انسان‌گرایانه مشاوره و روان درمانی نهایت رشد انسان را خود شکوفایی در نظر می‌گیرند، رویکرد خدا گرایانه اسلامی، نهایت رشد انسان را خلیفه الهی در نظر می‌گیرد و تعلیم اسما الهی سرآغاز این خلیفه الهی است (بقره: ۳۰ و ۳۱). علامه جوادی آملی، جریان خلافت و جانشینی انسان و ارتباط آن با اسما حسنا و اهمیت تعلیم اسما برای پرورش انسان و تعیین مسیر زندگی‌اش را مورد تأکید قرار داده، نتیجه می‌گیرد که خلافت انسان از راه تعلیم اسما به دست می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۰-۲۸۱). بنابراین، انسان برای رسیدن به خلافت الهی، نخست باید اسما الهی را یاد بگیرد و معانی آنها را بفهمد و سپس حقایق آنها را در جان خود پیاده کند. پس امکان اتصاف به اوصاف الهی برای همه انسان‌ها وجود دارد و هر کسی به اندازه هستی خود، می‌تواند به اسما و صفات الهی دسترسی داشته باشد.

در بررسی ادبیات پژوهش در مورد تصور از خدا، بسیاری از این پژوهش‌ها در خارج و یا داخل کشور، مبتنی بر مبانی نظری روان‌کاوی و روابط ابژه شکل گرفته است که عمدتاً متأثر از نگاه جسمانی به خدا در مکتب مسیحیت و فرهنگ غیراسلامی است. در دیدگاه اسلام، خداوند ذاتی حقیقی است (حج: ۶۲؛ یونس: ۳۲)، و تصورات انسان‌ها با وجود متعالی خداوند یکسان نیست. بنابراین، ضرورت دارد این مفهوم بر اساس آموزه‌های متعالی اسلام برای استفاده در فرهنگ اسلامی - ایرانی، وارد حوزه روان‌شناسی و مشاوره گردد. از سوی دیگر، اکثر این پژوهش‌ها در حد

یافته‌های پژوهش

هدف این پژوهش، تدوین الگوی مفهومی ابعاد تصور از خدا بر اساس اسما حسنا بود تا مبنایی برای مطالعات سبک زندگی اسلامی و روان‌شناسی دین، بخصوص در حوزه تصور از خدا، پیشنهاد دهد. نتایج این پژوهش نشان داد که تصور از خدا، بر اساس اسما حسنا دارای ابعاد گوناگونی به شرح ذیل می‌باشد: اما پیش از پرداختن به این ابعاد، لازم به یادآوری است که لفظ «الله» جامع‌ترین اسم برای تمامی اسما حسنا می‌باشد. کلمه «الله» در زبان عربی، اسم خاص است که برای ذات پاک پروردگار جهان به کار می‌رود. «الله»، جامع همه صفات کمال و منزّه از هر نوع نقص و کم و کاست است. بنابراین، جایز نیست که نام الله- و رحمان- بر کسی جز خدا گذاشته شود. از خصوصیات اسم «الله»، این است که سایر صفات به آن اضافه می‌گردند. مثلاً «الله»، رحمان و رحیم است. درحالی‌که این اسم به اسما دیگر اضافه نمی‌شود. «الله» اسمی است که بر ذات الله، که صفات به او قیام یافته‌اند، دلالت می‌کند (سامی محمود، ۱۳۸۷، ص ۱۳).

ابعاد تصور از خدا

بعد ذاتی: در این بعد، اسمایی از خداوند قرار می‌گیرند که به صفات ذاتی خدا اشاره دارند. صفات ذات، صفاتی هستند که منشأ آنها تنها ملاحظه ذات خداوند، بدون دخالت و ملاحظه غیر باشد، صفاتی هستند که همیشه، مقابل آن صفت، از خدا نفی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۰). این صفات عبارتند از قدرت، اراده، علم، حیات و وحدانیت.

جدول ۱. بعد ذات

صفاتی / مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت اشاره دارد
وجود	الحق، النور، الظاهر، الباطن
قدرت	القوی، المتین، القادر، المقدر، الواجد، العزیز، المقتد، مالک الملک، الوارث
اراده	المريد
علم	العليم، اللطيف، الخبير، الشهيد، الحسيب، المحصى، الواجد، السميع، البصير، الرقيب، المهيمن، الواسع
حیات	الحي
وحدانیت	الواحد، الاحد

بعد تنزیه: این بعد از اسما، به صفاتی / مفاهیمی از خدای سبحان اشاره دارد که با تسبیح و تقدیس همراه است. تسبیح از داشتن هر اسم قبیح و غیر حسن و تقدیس از هر نوع وصف

توصیفی و بررسی رابطه بین تصور از خدا و سایر متغیرها بوده و هیچ نگاه تجویزی برای اصلاح تصورات ناکارآمد از خدا ارائه نکرده‌اند. این پژوهش، گامی در جهت مرتفع کردن این خلأ در عرصه پژوهش‌های روان‌شناسی مرتبط با تصور از خداست.

عامل دیگری که اهمیت پرداختن به اسما حسنا را در تدوین الگوی تصور از خدا آشکار می‌سازد، ضرورت وجود معیاری برای تشخیص تصور درست از نادرست درباره خداوند است. بنابراین، ضروری است روان‌شناسان و مشاورانی که با مراجعان خدا باور مسلمان کار می‌کنند، معیاری برای تشخیص و ارزیابی تصور از خدای مراجعان خود داشته باشند. تدوین این الگو، می‌تواند با ارائه این معیار به جامعه مشاوران و روان‌شناسان خلأ موجود را پر کرده و خدمات ارزنده‌ای هم در جهت تشخیص، هم در جهت اصلاح تصورات ناکارآمد و هم بهبود و ارتقاء تصورات فرد از خدا ارائه دهد.

به نظر می‌رسد، از میان اسما حسنایی که در قرآن و حدیث معروف پیامبر ﷺ- که در آن ۹۹ اسم تصریح شده- آمده، علاوه بر قابلیت‌ها و کاربردهای متعدد آنها، بتوان الگوی مفهومی یکپارچه‌ای را استخراج نمود که بیانگر دیدگاه اسلام درباره تصور از خدا باشد.

با عنایت به موارد فوق و نقش تصور از خدا در شکل‌دهی سبک زندگی و سلامت روان و اهمیت اصلاح تصاویر ناکارآمد از خدا و جایگاه مهم این مفهوم در تعالیم دینی، از جمله مکتب اسلام، محقق به دنبال آن است که الگویی مفهومی تصور از خدا بر اساس اسما حسنا را طراحی نماید تا در مطالعات روان‌شناسی مرتبط با حوزه تصور از خدا و سبک زندگی مورد استفاده قرار گیرد و همچنین ابعاد این الگو را مشخص نماید.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ روش‌شناسی از نوع مطالعات کیفی است. برای تعیین ابعاد تصور از خدا براساس اسما حسنا، از روش تحلیل محتوا استفاده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش، اسما حسنا به لحاظ معنایی با روش تحلیل محتوا بررسی شد. پس از مشخص کردن مسئله پژوهشی، انتخاب منابع تحلیل (قرآن و حدیث) و تعریف و مشخص کردن متغیر تحقیق (اسما حسنا)، واحدهای تحلیل (کلمه‌ها و موضوعات مرتبط با اسما حسنا) انتخاب شد و درنهایت، واحدهای تحلیل مقوله‌بندی شد.

کمالی محدود و آمیخته با نقص و عدم. این بعد از اسماء الله خداوند را از هر قبیح و ناروا تنزیه و سپس، از هر کمال محدود و جمال مقید و جلال نسبی تقدیس می‌گرداند؛ زیرا همه کمال و جمال و جلال او، نفسی، مطلق و نامحدود است (همان، ص ۲۳۹).

جدول ۲. بعد تنزیه

بعد تنزیه	صفات / مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت اشاره دارند
	درستی (بی‌نقص بودن)	السلام، القدوس
	بی‌نیازی	الغنی، الصمد
	ازلی و پایندگی	الاول، الآخر، الباقی

بعد عظمت و بزرگی: در این بعد از اسماء، به صفاتی / مفاهیمی از خداوند اشاره می‌شود که نهایت عظمت و بزرگی، بلندی و کبریایی، مجلد، شکوه، والایی اوج سیادت، شرف، بخشش پروردگار را نشان می‌دهد.

جدول ۳. بعد عظمت و بزرگی

بعد عظمت و بزرگی (مادی و معنوی)	صفات / مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت اشاره دارند
	فراتر از درک و احساس	الکبیر، المتکبر، العظیم
	بزرگواری بی‌نهایت	الماجد، المجد
	دارای برترین کمالات	الجلیل، ذوالجلال والاکرام، الکریم
	مرتبه وجودی فوق تصور	العلی، المتعالی
سزاوار هر گونه حمد و ثنا	الحمید، المجد	

بعد فعلی: این بعد از اسماء الهی، صفاتی / مفاهیمی را که از مقام فعل خدا انتزاع می‌شود، نشان می‌دهد. همان‌گونه که از تحلیل صفت فعل بر می‌آید، در انتزاع چنین اوصافی، غیر از ذات خدا، چیز دیگری دخیل است. صفات فعلی خدا، اوصاف کمالی است که از نوعی نسبت و اضافه بین خدا و مخلوقات او حکایت دارد. یک طرف این اضافه، خداست و طرف دیگر، مخلوقات که فعل خود اوست (همان، ص ۲۹۱). در یک نگاه کلی، آنچه از هدایت قرآنی بر می‌آید، ارتباط خداوند با مخلوقات او و جهان آفرینش در دو زمینه است (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۴۹)، عالم خلق و عالم امر: الا له الخلق والامر (اعراف: ۵۴).

الف. زمینه خلق: آنچه مربوط به آفرینش، ایجاد و ساختار عمومی جهان است، در زمینه خلق مورد بررسی قرار می‌گیرد. افعال خداوند در زمینه خلق به صفات / مفاهیم خالقیت، دانایی، توانایی، کارآیی، کردانی، حفاظت، هدایت و تسلط اشاره دارد.

جدول ۴. ابعاد فعل خداوند در زمینه خلق

ابعاد فعل خداوند (زمینه خلق)	صفات / مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت / مفهوم اشاره دارند
	خالقیت	الخالق، الباری، البدیع، المصور، البدیع، المبدئ
	دانایی	العلیم، اللطیف، الخیر، الشهید، السمع، البصیر، الواسع
	توانایی	القوی، المتین، القادر
	کارآیی	العزیز، القیوم، المقدر، الواجد
	کردانی	الحکیم، اللطیف، المقدم، الموخر، الحسیب
	حفاظت	الحافظ، الحفیظ
	تسلط	المهمین، المقیت، مالک الملک، المحصی، الرقیب، الوارث
هدایت	الهادی	

ب. زمینه امر: بعد از اینکه هر موجود با اندازه‌ای مشخص و ویژگی‌های معینی برابر با طرح موجود در علم خداوند خلق شد، نوبت به امر می‌رسد. یک طرف این رابطه، امر و در طرف دیگر، مأمور وجود دارد. مخلوقات (مأموران) خداوند به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: مخلوقات فاقد علم و اراده و مخلوقات واجد علم و اراده. امر خداوند در مورد موجودات فاقد علم و اراده، به امر تسخیری (جبر) معروف است که این موجودات بعد از خلقت، مطابق اصل هدایت عامه در مسیر تکوینی خود حرکت می‌کنند. از امر خداوند در مورد انسان، که دارای علم و اراده است، به امر ابتلایی (اختیار) یاد می‌شود. امر در مورد انسان، به ربوبیت نیز تعبیر می‌شود (همان، ص ۶۱).

در یک طرف، این رابطه خداوند به عنوان رب العالمین قرار دارد و صفت رحمتش (الرحمن الرحیم)، اقتضاء می‌کند در مسیر رشد انسان همه منافع و امکانات لازمۀ رشد را در اختیارش قرار دهد و همه موانع رشد را از سر راهش بر دارد. همچنین مریی بودن خداوند، با صفاتی که ذیل مالک یا مالک یوم الدین (کنترل‌کننده و بازرس) قرار می‌گیرند، اقتضاء می‌کند در برابر امکاناتی که به انسان داده از او مسئولیت بخواهد و انسان باید در برابرش پاسخ‌گو باشد. رب العالمین، به دلیل همه صفات کمالی که دارد، شایستگی قانون‌گذاری و فرمان مطاع صادر کردن (ایاک نعبد، معبود) را دارد و به دلیل تمام صفات کمالش شایستگی یاری دادن انسان (ایاک نستعین، معین) را دارد. در طرف دیگر این رابطه، انسان قرار دارد که باید خدارا با موضع‌گیری‌های درستش «حمد» کند. موضع‌گیری‌هایی چون معرفت و شناخت اسماء حسنا، مملو شدن از رغبت و رهبت نسبت به صاحب صفات مذکور در نتیجه، شناخت و معرفت آنها، و بعد اطاعت و استعانت به معنای کامل آن (همان، ص ۶۶).

بر این اساس، اسماء الهی به چند مقوله اشاره دارند:

الف. تدارک‌دهنده منافع و امکانات: اسماء خدا در این مقوله، به صفات و مفاهیمی اشاره دارد که بیانگر این است که خداوند اسباب آنچه برای رشد مادی و معنوی انسان‌ها لازم است، در اختیارش می‌گذارد. و انسان می‌تواند از آنها بهره‌برداری کند. صفات و مفاهیم رحمت و عطوفت، بخشندگی و عطا، ولایت و تصرف، رزاقیت و قدردانی در این مقوله جای می‌گیرند.

جدول ۵. ابعاد فعل خداوند در زمینه امر (مقوله جلب منافع و امکانات)

مقوله	صفات/ مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت/ مفهوم اشاره دارند
تدارک دهنده منافع و امکانات رشد	رحمت و عطوفت	الرحمان، الرحیم، الفتح، اللطیف، الروف، الودود، الهادی
	بخشندگی و عطا	الوهاب، البر، الکریم، الواسع
	ولایت و تصرف	الوالی، الولی، الوکیل، الحسیب، الفتح، الصمد
	رزاقیت	الرزاق، المقیت، المغنی، القابض، الباسط
	قدردانی	الشکور، الحمید

ب. برطرف کننده موانع و آسیب‌های رشد: انسان در مسیر رشد مطلوب خود، نه تنها به امکانات ایجابی نیاز دارد، بلکه امکانات سلبی را نیز می‌خواهد و در صورتی که با مانع یا آسیبی در مسیر رشدش مواجه شد، بتواند از آنها استفاده کند. یک مجموعه از نام‌های نیکوی خداوند به این موضوع اشاره دارند. در همان امکاناتی که خدا برای رشد او قرار داده، وسیله دفع هر مانعی که مسیر رشد او را تهدید می‌کند، وجود دارد. این مقوله به صفات و مفاهیم مراقبت و محافظت، بخشودگی و عذرپذیری اشاره می‌کند.

جدول ۶. بعد فعل خداوند در زمینه امر (دفع موانع و آسیب‌ها)

مقوله	صفات/ مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت/ مفهوم اشاره دارند
برطرف کننده موانع و آسیب‌های رشد	مراقبت و محافظت	الحفیظ، السلام، المومن، الحلیم، الصبور، المانع
	بخشودگی و عذرپذیری	العفار، المغفور، المغف، التواب

ج. کنترل و حسابرسی: این مقوله به صفات و مفاهیمی اشاره دارد که انسان را متوجه مسئولیت‌پذیری خود در قبال امکاناتی که خداوند به صورت سلبی یا ایجابی در اختیارش گذاشته، می‌نماید. صفات و مفاهیمی که به این مقوله دلالت می‌کنند، عبارتند از: حسابگری و حسابرسی، تسلط، نظارت، انتقام‌گیری، کارآیی.

جدول ۷. بعد فعل خداوند در زمینه امر (کنترل و حسابرسی)

مقوله	صفات/ مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت/ مفهوم اشاره دارند
بعد فعل خداوند در زمینه امر (ربوبیت)	حسابگری و حسابرسی	الحسیب، الحکم، المقدم، الموخر، المحصى، المعید، الباعث، الجامع
	تسلط و کنترل	الحفیظ، القیوم، المقیت، المالك الملك
	نظارت	المهیمن، الرقیب، الشهید
	انتقام‌گیری	المنتقم، المذل، القهار، الخافض
	کارآیی	العزیز، القوی، المتین، المقندر

د. استعانت و فریادرسی: انسان از نظر قرآن، موجودی ضعیف و نیازمند است. برای برطرف کردن مشکلات خود، به ذاتی قوی و بی‌نیاز، محتاج است (فاطر: ۱۵). این مقوله به صفات و مفاهیمی اشاره دارد که خداوند پاسخ‌گویی و یاری دادن به انسان‌ها را برای رسیدن به اهداف و رفع مشکلات تضمین می‌کند.

جدول ۸. بعد فعل خداوند در زمینه امر (یاری دادن و فریاد رسی)

مقوله	صفات/ مفاهیم	نام‌های نیکوی خداوند که به آن صفت/ مفهوم اشاره دارند
بعد فعل خداوند در زمینه امر (ربوبیت)	یاری دادن و فریادرسی	العلیم، السميع، البصیر، اللطیف، الخیر، الرقیب، الشهید
	حضور و دسترس‌پذیری	
	پاسخ‌گو	المجیب، الناصر

الگوی مفهومی تصور از خدا

پس از مشخص شدن ابعاد مختلف تصور از خدا براساس اسماء حسنا، به یک الگوی مفهومی دست یافتیم. منظور از تصور از خدا در این الگو این نیست که خداوند را به شکل موجودی تصور کنیم، تصور و تصویر خداوند محال است؛ زیرا خداوند دارای صورتی قابل تصویر نیست. هر تصویری از او تصور کنیم، ساخته و پرداخته ذهن ما خواهد بود. خداوند که خالق هستی است، نمی‌تواند مخلوق ذهن بشر باشد.

منظور از تصور از خدا در این الگو، شناختی جامع و در همه ابعاد از خداوند است؛ شناختی که به اندازه گستره وجودی و سطح دانش خود، در آینه اسماء حسنا بدان دست یافته‌ایم. با توجه به شکل زیر، الگوی بر آمده از هستی‌شناسی اسلامی دارای بخش‌های مختلفی به شرح ذیل است:

به تعیین نمودن صفات الهی (درک تمام حقیقت آن) راه نیست، اما از مقدار لازم از معرفت نیز بی بهره نیست و مانعی برای آن وجود ندارد. در میان اسماء حسنا الهی، اسمایی وجود دارند که به تصور درست از ذات خدا و تصور درست از ارتباط خدا با مخلوقاتش اشاره می نمایند.

الف: اسمای حسناهایی که به تصور از ذات خدا مربوط می شوند، عبارتند از:

- اسماء ذات: دایره دوم الگو (بعد از الله)، مربوط به اسمائی هستند که به شناخت انسان از ذات خدا کمک می کنند. صفات و مفاهیمی چون وجود، علم، قدرت، اراده و حیات در این قسمت قرار می گیرند.

- اسماء تنزیه: دایره سوم به اسماء تنزیه اشاره دارد. اسماء تنزیه، در حقیقت خدا را از نقص یا کمال محدود مبرا می سازد. این دایره، در حقیقت روشن می سازد که مثلاً گر چه خداوند دارای علم، قدرت، اراده و غیره است، اما علم، قدرت و اراده پروردگار مثل انسان نیست که دارای محدودیت و نقص باشد. یا زمانی متصور باشد که عالم نبوده یا علمش ذایل شود. مفاهیم و صفاتی که در این دایره قرار می گیرند، عبارتند از: درستی (عدم نقص)، بی نیازی، ازلی و پایندگی. اسماء مدلول آن عبارتند از: السلام، القدوس، الغنی، الصمد، الاول، الاخر، الباقي.

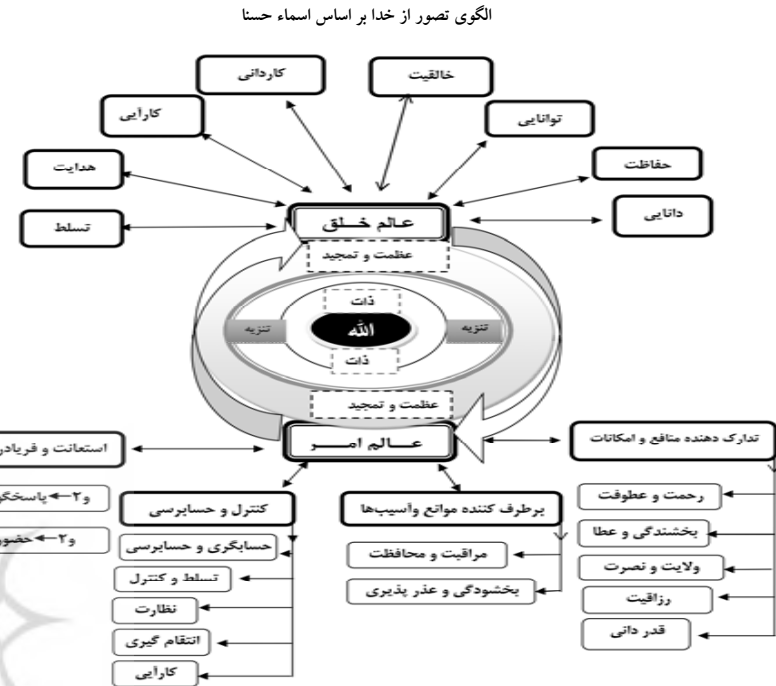
اسمائی که به عظمت و بزرگی خدا اشاره دارند: در دایره سوم صفاتی از خداوند مد نظر است که بیانگر عظمت و بزرگی، بلندی و کبریایی، مجد، شکوه، الوایی، سیادت، شرف و بخشش پروردگار را حد و مرزی نیست. اسماء مدلول آن عبارتند از: الکیبر، المتکبر، العظیم، الماجد، المجید، الجلیل، ذوالجلال والاکرام، الکریم، العلی، المتعالی، الحمید، المجید.

ب: اسمای حسناهایی که به تصور ارتباط خدا با مخلوقاتش اشاره دارد:

ارتباط خداوند با مخلوقات او و جهان آفرینش در دو زمینه است: عالم خلق و عالم امر؛ «الاله الخلق والامر» (اعراف: ۵۴).

۱. عالم خلق: نیمه بالای الگو به زمینه خلق مربوط است و به اسمایی از خدا اشاره دارد که به آفرینش، ایجاد و ساختار عمومی جهان اشاره دارد. خداوند با علم، قدرت، اراده و تدبیر حکیمانه خود هستی را خلق نموده و او با تسلط و چیرگی خاص خود عالم را محافظت می کند و در مسیری که خودش اراده فرموده، هدایت می کند. این هدایت، برای موجودات فاقد علم و اراده طبق اصل هدایت عامه صورت می گیرد. اسمایی که مدلول این صفات هستند در جدول ۴ آمده است.

۲. عالم امر: نیمه پایین الگو، به زمینه امر مربوط است و به اسمائی از خدا اشاره دارد که به ارتباط انسانها با خدا و بعکس مربوط می شود. در این قسمت چند مقوله مطرح است:



ذات الله: در هستی شناسی اسلامی، «الله» به عنوان ذاتی واجب الوجود، قائم به ذات و هستی آفرین و به عنوان حقیقتی ثابت پذیرفته شده است. ذات خداوند، مشهود هیچ عارف و معلوم هیچ فیلسوفی واقع نمی شود. عارفانِ واصل هم معترف به عجزند و نه تنها به قصور عبادی اعتراف کرده اند (ما عبدناک حق عبادتک)، بلکه به عجز عرفانی نیز اقرار دارند (ما عرفناک حق معرفتک). به دلیل این عدم امکان شناخت ذات خدا، دایره مرکزی شکل با رنگ تیره مشخص شده است.

روشن است که خداوند چون موجودی نامتناهی است و ما موجودی متناهی و محدود هستیم، هرگز متناهی و محدود، احاطه کامل به وجود غیرمتناهی و نامحدود پیدا نخواهد کرد و همواره شناخت ما ناقص خواهد بود. ولی این امر موجب نمی شود که نتوان هیچ گونه شناختی از خدا داشت؛ زیرا از نظر دین، برخی درجات معرفت و خدا شناسی ممکن است، هر چند معرفت تام و احاطه کامل ممکن نیست. بنابراین، انسان از راه پدیده های عالم و از راه تفکر عقلانی، می تواند به اوصاف الهی مانند علم و قدرت راه یابد. خداوند برای انسان مجهول مطلق نیست، اگر چه معلوم مطلق هم نخواهد بود: «لم یطلع العقول علی تحدید صفته و لم یحجبها عن واجب معرفه» (نهج البلاغه، خ ۴۹، ص ۱۶۰)؛ عقول را

۱. تدارک دهنده منافع و امکانات: ذیل این مقوله، مفاهیم رحمت و عذوبت، بخشندگی و عطا، ولایت و نصرت، رزق و روزی، و قدردانی قرار می‌گیرند. اسمایی که به این مقوله‌ها اشاره دارند، در جدول ۵ آمده است.

۲. برطرف کننده موانع و آسیب‌ها: ذیل این مقوله، مفاهیم مراقبت و محافظت و بخشودگی و عذرپذیری قرار می‌گیرد. اسمایی که به این مقوله‌ها اشاره دارند، در جدول ۶ آمده است.

۳. کنترل و حسابرسی: ذیل این مقوله، مفاهیم حسابگری و حسابرسی، نظارت، تسلط، کارآیی و انتقام‌گیری قرار می‌گیرند. اسمایی که به این مقوله‌ها اشاره دارند، در جدول ۷ آمده است.

۴. استعانت و فریاد رسی: ذیل این مقوله، مفاهیم پاسخ‌گویی و حضور قرار می‌گیرند. اسمایی که به این مقوله‌ها اشاره دارند، در جدول ۸ آمده است.

لازم به یادآوری است هر یک از اسماء الهی، دارای معانی مختلفی هستند که ممکن است هر اسم، با توجه به تناسب معنایی در ابعاد و مقوله‌های مختلفی قرار گیرد. علاوه بر این، همان‌گونه که الگو نشان می‌دهد، عالم خلق و امر از هم جدا نبوده و دائماً در ارتباطند. پیکان‌های دوسویه ابعاد مختلف با همدیگر و با عالم خلق و امر، نشانه این است که هیچ یک از این ابعاد، بدون در نظر گرفتن سایر ابعاد امکان‌پذیر نیست. این جدایی و تقسیم برای درک و فهم بهتر از تصور از خدا بر اساس اسماء الله انجام گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

«دین» عمیقاً زندگی روزمره شخصی و اجتماعی انسان‌ها را در گستره حیات تحت تأثیر قرار داده است و سبک خاصی به زندگی آنها می‌بخشد. این امر می‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای مطالعه آن باشد؛ زیرا هدف اصلی علم روان‌شناسی، شناخت، توضیح و تبیین رفتار انسان است. بدین ترتیب، هر متغیری که به دستیابی به این هدف کمک کند، باید در حد تأثیر خود به طور متناسب مورد توجه و مطالعه قرار گیرد. وظیفه روان‌شناسی دین، توضیح اشکال متعددی است که اعتقادات و باورهای یک شخص در دنیای خاص وی عمل می‌کند و مؤثر واقع می‌شود (مظاهری و پسندیده، ۱۳۹۰، ص ۲۵). این مقاله، با تأکید بر مفهوم تصور از خدا، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم روان‌شناسی دین و سبک زندگی، به بررسی ابعاد تصور از خدا بر اساس اسماء حسنا و درنهایت، ارائه یک الگوی مفهومی پرداخته است. این موضوع از منظر ابعاد گوناگون فعالیت‌های پژوهشی در حوزه روان‌شناسی دین و در نهایت، تربیت دینی و تأثیر آن بر سبک زندگی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

در یک جمع‌بندی کلی، اقدامات پژوهشی و نظریه‌پردازی‌هایی که روان‌شناسان در خصوص دین ارائه کرده‌اند، در چهار قلمرو قرار می‌گیرد. اول. پیگیری و تلاش برای توجیه، تبیین و تفسیر دین از لحاظ روان‌شناختی. مثلاً، ماهیت روان‌شناختی دین چیست؟ چرا انسان‌ها به دین اعتقاد دارند؟ اجزای روان‌شناختی دین چیست؟ این قلمرو یک قلمرو نظری و بنیادی است. نظریه‌پردازان بسیاری از فروید تا آدلر، یونگ، فروم، الیس، کرکپاتریک را شامل می‌شود. قلمرو دوم، به توصیف دین سالم و ناسالم پرداخته و هدف آن، تفکیک و تمایز بین لایه‌های مختلف سالم و ناسالم دین بوده است. قلمرو سوم، به مطالعه و بررسی آثار و پیامدهای روان‌شناختی دین متمرکز شده و رابطه آن را با سلامت روان، بیماری روانی، رفتارها و نگرش‌ها بررسی کرده است و عمدتاً نگاهی کارگردارپایانه به دین داشته است و جزء فعال‌ترین حوزه روان‌شناسی دین به لحاظ پژوهشی بوده است. در نهایت، قلمرو چهارم به تهیه و طراحی ابزارهای معتبر و مناسب برای سنجش باورها، اعتقادات، انگیزه‌ها و رفتارهای دینی تمرکز داشته است (همان، ص ۳۵). مفهوم «خدا» و باورها و تصوراتی که افراد از خدا دارند، حجم وسیعی از مطالعات را در این چهار قلمرو به خود اختصاص داده و در قلب مطالعات روان‌شناسی دین قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش، در قلمرو سوم و چهارم قابل بررسی می‌باشد.

در قلمرو سوم، که به بررسی پیامدهای روان‌شناختی باورهای دینی می‌پردازد، متغیر تصور از خدا پژوهش‌های زیادی را برانگیخته است. مطالعات زیادی در مورد تصور از خدا انجام شده (شرایبر و کتناکی، ۲۰۰۹؛ اوکوزی، ۲۰۱۰؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۱؛ براد شاو و همکاران، ۲۰۰۸؛ برام و همکاران، ۲۰۰۸a)، که تأیید می‌کنند بیماران مختلف تصور مخدوش، تحریف شده و نادرستی از خدا دارند. این تصور منتج به احساسات ناخوشایند و رفتارهای ناکارآمد می‌شود. در مقابل تصویر مثبت از خدا به سلامت روان منجر می‌شود. ابعاد مشخص در این الگو، می‌تواند به عنوان معیار تصور از خدا در ارزیابی‌های روان‌شناختی مورد توجه قرار گیرد و با تشخیص ابعادی از تصور از خدا، که توسط مراجع مورد غفلت یا تحریف قرار گرفته، مسیر درمان را طرح‌ریزی نمود. همچنین در حوزه روان‌شناسی سلامت‌نگر، برای ارتقاء سلامت روان از یافته‌های این پژوهش می‌توان استفاده کرد.

در ارتباط با قلمرو چهارم نیز نتایج این پژوهش قابل تأمل است. در ایران، مطالعات زیادی در حوزه تصور از خدا انجام شده است. مهم‌ترین نقطه ضعف این مطالعات، مقیاس‌های اندازه‌گیری و ابزار سنجش آنهاست که عمدتاً محدود به دین مسیحیت است و برای پیروان سایر ادیان، حداقل به سادگی قابل تعمیم نیست. از این رو، ضرورت تلاش برای ساخت ابزار مناسب جهت سنجش تصور از خدا،

مطابق با دین اسلام و فرهنگ ایرانی احساس می‌شود. این پژوهش، با تعیین ابعاد تصور از خدا و ارائه یک الگوی یکپارچه در مورد تصور از خدا، می‌تواند به عنوان یک مبنای نظری برای تهیه پرسش‌نامه‌هایی قرار گیرد که می‌خواهند مطالعاتی درباره تصور از خدا در فرهنگ ایرانی - اسلامی داشته باشند.

اندیشمندان در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی، درباره خاستگاه‌های مفهوم تصور از خدا، دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند (صفا، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰). در رهیافت روان‌شناسی، منشأ مفهوم خدا و تصویری که افراد از خدا دارند، در انواع گوناگون عواطف و احساسات فردی و جمعی، الگوهای رابطه‌ای فرد در دوران کودکی و فرافکنی آن در بزرگسالی و همچنین در تجربیاتی که انسان‌ها در مواجهه با امور معنوی یا قدسی دارند، جست‌وجو می‌شود. همچنین آموزش‌هایی که فرد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از مجراهای مختلف (والدین، مدرسه، کتاب‌ها، رسانه‌ها) دریافت نموده، در ایجاد تصور فرد از خدا مؤثرند. به هر حال، تصور از خدا به هر دلیل که در افراد شکل گرفته باشند، بحث «تربیت دینی» در آن مطرح است. در حقیقت، افراد متأثر از جهان‌بینی دینی خانواده و جامعه، تربیتی را دریافت می‌کنند که سبک زندگی آنها را شکل می‌دهد.

تربیت دینی، در معنای عام شامل فعالیت‌های آموزشی و پرورشی است که در چارچوب دین تحقق می‌یابد و می‌تواند در هر دینی مطرح باشد (عسکری، ۱۳۸۹، ص ۲). در این قسمت، یافته‌های حاصل از بررسی، تقسیم‌بندی و تدوی الگوی مفهومی تصور از خدا مستخرج از اسما حسنا، در ارتباط با تربیت دینی مورد تأکید قرار می‌گیرند.

معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مبنای تربیت هستند که در تعیین اهداف، اتخاذ اصول و قواعد تربیتی و تعیین شیوه‌های تعلیم و تربیت نقش اساسی دارند (همان، ص ۵). از سوی دیگر، برای سیر به سوی غایت تربیت، باید به اهدافی دست یافت که با هدف غایی تربیت رابطه‌ای طولی داشته باشد که وصول به این اهداف، اتصال به آن غایت را ممکن سازد. یکی از این اهداف، اصلاح رابطه انسان با خدا، خود، جامعه و تاریخ است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

«معرفت‌شناسی» درباره آگاهی‌ها و شناخت‌های انسان، امکان شناخت، ابزار و منابع شناخت، ارزیابی انواع شناخت و تعیین ملاک درستی و نادرستی آن بحث می‌کند. آموزه‌های اسلام بیانگر این است که امکان این معرفت‌ها و ابزار آن، هم در درون (سمع، بصر و فؤاد) و هم در برون (ارسال رسل، کتاب‌های آسمانی و مسخر نمودن آسمان و زمین) انسان وجود دارد. از صفاتی که زیر مجموعه افعال فعل خداوند در زمینه خلق (جدول ۴) و ابعاد فعل خداوند در زمینه امر

(مقوله تدارک‌دهنده منافع و امکانات رشد، جدول ۵) قرار می‌گیرند، می‌توان مبنای معرفت‌شناسی تربیت دینی را از اسما حسنا انتزاع نمود. علاوه بر این با توجه به جداول ۱، ۲ و ۳، می‌توان به شناخت ویژگی‌های ذاتی خداوند دست یافت.

«هستی‌شناسی» تربیت اسلامی، خدا را ذاتی غنی و سایر موجودات از جمله انسان را نیازمند و فقیر به سوی خدا معرفی می‌کند. در حقیقت، نوع رابطه انسان با خدا را مشخص می‌سازد. اصلاح رابطه انسان با خدا، غایت تربیت دینی است. همه تلاش انبیاء این بوده که انسان را به سوی خدا هدایت کند. شکوفایی استعداد‌های انسان در «بندگی»، یعنی اتصاف به صفات و اسما خدا قرار دارد. انسان با مظهر اسما و صفات خداوند شدن، به غایت تربیت می‌رسد. سخن مشهور پیامبر، مبنی بر اینکه «به اخلاق خدا متخلق شوید»، دعوت به الهی شدن و ربانی شدن است (همان، ص ۴۵). جداول ۲، ۱ و ۳ به ابعاد ذات، تنزیه و عظمت خداوند اشاره دارد. شناخت این اسما و رغبت و رهبت ایجاد شده از یک سو، و درک فقر ذاتی انسان، در او موضع «بندگی و معرفت» را ایجاد می‌کند. انسان در می‌یابد که در مسیر زندگی، دائماً به خدا نیاز دارد و باید از او استعانت و یاری جوید (جدول ۷ و ۸). از سوی دیگر، این رابطه خدای غنی، پاسخ‌گو، در دسترس و یاریگر وجود دارد.

برخی اسما خداوند، که زیر مجموعه بعد کنترل و حساب‌رسی است، در جدول ۷ آمده و به «مسئولیت» انسان در قبال خداوند تأکید دارند و انسان را متوجه عواقب عدم استفاده صحیح از امکانات زندگی می‌کند که خود به اصلاح رابطه انسان با خدا کمک می‌کند.

«هستی‌شناسی» اسلامی، همه موجودات عالم را دارای ادراک و شعور می‌داند. آنها می‌توانند مسخر انسان گردند. اگر روح کامل شود و صاحب اسم «ولی» شود، به قدرتی دست می‌یابد که می‌تواند در عالم تصرف نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۲). جدول شماره ۴، که به ابعاد فعل خداوند در زمینه خلق اشاره دارد، جهان هستی را دارای ادراک و شعور می‌داند که تحت نظارت، حفاظت و قدرت و هدایت عامه خداوند به سوی مقصدی هدفمند در حرکت است. بینش بر آمده از این اسما، نه تنها ارتباط انسان با موجودات را معنای خاص می‌بخشد، بلکه تسخیر و بهره‌مندی از آن را هدفمند و مسئولانه می‌گرداند.

«انسان‌شناسی» تربیت دینی، انسان را موضوع تربیت می‌داند. تا ابعاد وجودی انسان شناخته نشود، شناخت عناصر تربیتی ممکن نیست. انسان‌شناسی تربیت اسلامی، انسان را دو ساحتی (جسم و روح)، کمال‌جو، خواهان جاودانگی و فطرتاً خداپرست می‌داند. با توجه به آیه ۳۰ سوره بقره، ارتباط اسما

حسنى و انسان‌شناسى قابل تبیین است. مزیت انسان مربوط به ساحت روحانى او و علم به اسماء الهى است. بنا بر آیه فوق، هدف تربیت دینی خلیفه الهی است. انسان برای طی مسیر رشدی تا خلیفه الهی باید تحت تربیت الهی قرار گرفته؛ یعنی خدا را با یکایک اسماء و صفاتش بشناسد و موضع‌گیری درونی و قلبی متناسب با آن اسم اتخاذ نموده و سپس، واقعیت زندگی‌اش را با این موضع‌گیری که سبک زندگی‌اش را شکل می‌دهد، تطبیق دهد. ارتباط انسان با خودش، یعنی پرداختن به اصلاح نفس و متصف شدن به صفات الهی و متخلق شدن به اخلاق الهی و کنترل صفات رذیله، که از مهم‌ترین اهداف تربیتی می‌باشد، در اینجا مطرح است.

اصلاح رابطه انسان با جامعه و تجلی صفات مهربانی، مراقبت، محافظت از دیگران، بخشودگی و عذرپذیری، یاری دادن و پاسخ‌گو بودن نسبت به دیگران، به‌عنوان بخش رفتاری سبک زندگی اجتماعی با توجه به جداول ۵، ۶، ۷ و ۸ قابل انتزاع است.

اصلاح رابطه انسان با تاریخ نیز که از اهداف تربیت دینی است و می‌تواند سبک زندگی حلال و آینده انسان را اصلاح نماید، با توجه به برخی از اسامی خداوند، که در جدول ۷ آمده، قابل تأمل است. اسامی این قسمت به امر کنترل و حساب‌رسی خداوند مربوط می‌شود. درک درست آنها انسان را متوجه عواقب و پیامدهای رفتاری‌اش در گستره تاریخ می‌کند. دعوت قرآن کریم نیز به مطالعه تاریخ گذشتگان و سنت‌های حاکم خداوند بر آنها یک امر تربیتی است.

نظام آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت (رسمی یا غیررسمی)، که در ایجاد تصور از خداوند در مخاطبانش و به تبع آن، در سبک زندگی آنها نقش مؤثری دارد، می‌تواند از یافته‌های این پژوهش در تربیت دینی استفاده نمایند. مطالعات صادقی و همکاران (۱۳۸۶)، بر نقش بی‌بدیل روش‌های تربیتی خانواده و بخصوص والدین در تحول نگرش‌های دینی فرزندانشان صحه گذاشته‌اند. متخصصان حوزه روان‌شناسی رشد و تعلیم و تربیت، می‌توانند به بررسی این موضوع بپردازند که در هر مرحله رشدی، باید کدام بُعد از اسماء الله را به مخاطبان آموزش داد تا به ارتقاء سلامت روان دانش‌آموزان کمک نماید. همچنین در هویت‌یابی و حفظ انسجام روانی «خود»، همان‌طور که فرد با تجربیات جدیدی روبه‌رو می‌شود، مفهوم خدا را نیز به‌طور مستمر مورد بازبینی قرار می‌دهد. ارائه اطلاعات درست و آموزش به موقع در مورد خدا، به انسجام هویت افراد کمک می‌کند. یافته‌های این پژوهش برای استفاده در این حوزه می‌تواند کارایی داشته باشد.

منابع

- تهج البلاغه، ۱۳۸۰، ترجمه علامه جعفری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ۱۳۹۰، *اسماء و صفات حق*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- آدلر، آلفرد، ۱۳۷۰، *روان‌شناسی فردی*، ترجمه حسن زمانی شرفشاهی، تهران، تصویر.
- آذربایجانی، مسعود، ۱۳۸۷، *روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اسپیلکا، برنارد و همکاران، ۲۰۰۳، *روان‌شناسی دین براساس رویکرد تجربی*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.
- اسمعیلی، معصومه، ۱۳۸۶، «بررسی تأثیر گسترش هستی‌شناسی اسلامی بر افزایش سلامت روان»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۲۴، ص ۴۱-۵۲.
- آینه‌وند، صادق و شهریار نیازی، ۱۳۷۹، «معنی‌شناسی اسماء حسنا»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۵۳ و ۱۵۴، ص ۱-۱۸.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر موضوعی قرآن کریم، صورت و سیرت انسان در قرآن*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۱، *تفسیر موضوعی قرآن کریم، توحید در قرآن*، قم، اسراء.
- داوودی، محمد، ۱۳۸۳، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام*، ترجمه دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۷، *سیری در تربیت اسلامی*، تهران، دریا.
- سامی محمود، سلیمان، ۱۳۸۷، *اسماء الحسنی*، ترجمه مجتبی دوروزی، تهران، احسان.
- سبحانی، ناصر، ۱۳۸۷، *اسماء الحسنی (نام‌های نیکوی خداوند)*، تهران، مردم سالاری.
- سنت کلا، مایکل، ۲۰۰۰، *درآمدی بر روابط موضوعی و روان‌شناسی خود*، ترجمه علیرضا طهماسب و علی آقایی، تهران، نی.
- شجاعی، محمد، ۱۳۹۰، *اسماء حسنی*، تهران، سروش.
- شنکایی، مرضیه، ۱۳۸۸، *بررسی تطبیقی اسماء الهی*، چ دوم، تهران، سروش.
- شهیدی، خدیجه‌سادات، ۱۳۹۱، *اسماء و صفات الهی در اندیشه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- صادقی، منصوره‌سادات و همکاران، ۱۳۸۶، «تصور از خدا در روش‌های تربیتی متفاوت»، *روان‌شناسی*، سال یازدهم، ش ۴، ص ۳۶۲-۳۸۰.
- عبدالکریمی، بیژن، ۱۳۸۱، «خدا در اندیشه غرب»، *نشریه اینترنتی درگاه پاسخگویی به سؤالات دینی*، ش ۱۴۱، ص ۱۸-۲۵.
- عسگری، علی، ۱۳۸۹، *مبانی تربیت دینی*، سایت گروه پرورشی شهرستان اسدآباد.
- عنان‌پور خیرآبادی، محمد، ۱۳۹۱، «بررسی مبانی و شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی در قرآن کریم»، *دوفصلنامه علمی تخصصی اسلامی و علوم اجتماعی*، سال چهارم، ش ۸، ص ۹۳-۱۱۲.
- قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی ارتباط ادراک خدا با خود پنداره و خود کارآمدی با توجه به متغیرهای فردی در میان دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ش ۱(۲)، ص ۱۶۵-۱۸۰.

- Bradshaw, M., & et al, ۲۰۰۸, Prayer, God imagery, and symptoms of psychopathology, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. ۴۷(۴), p. ۶۴۴-۶۵۹.
- Cancer Board, ۲۰۰۷, *Health and Life Style Questionnaire*, Available at: [http:// www.Lifestylesurvey, Org.uk/pdfs/qbank/cancersurvey, Pdf\(Accessed ۲۵ April ۲۰۰۷\)](http://www.Lifestylesurvey, Org.uk/pdfs/qbank/cancersurvey, Pdf(Accessed ۲۵ April ۲۰۰۷)).
- Clinton, T., & Straub, J, ۲۰۱۰, God attachment: Why you believe, act, and feel the way you do about God, New York: Howard Books.
- De Roos, S. A, ۲۰۰۶, Young children's God concepts: Influences of attachment and religious socialization in a family and school context, *Religious Education*, v. ۱۰۱(۱), p. ۸۴-۱۰۳.
- Ellis, A, ۱۹۸۸, Psychotherapy and atheistic values: A response to A. E. Bergins "psychotherapy and religious issue", *Journal of Counseling and Clinical Psychology*, v. ۴۸, p. ۶۳۵-۶۳۹.
- Ellis, A, ۲۰۰۰, Spiritual goals and spirited values in psychotherapy, *Journal of individual psychology*, v. ۵۶, p. ۲۷۷-۲۸۴.
- Flannelly, K. J, & et al, ۲۰۰۹, Beliefs about God, psychiatric symptoms, and evolutionary psychiatry, *Journal of Religion and Health*, v. ۴۹ (۱), p. ۲۴۶-۲۶۱.
- Gattis, Jay Paul, ۲۰۰۱, DEVELOPING A WEB-BASED SCORING PROGRAM FOR THE GOD IMAGE INVENTORY, Presented to the Faculty of the Rosemead School of Psychology, Biola University.
- Grimes, ۲۰۰۷, In G. Moriarty & L. Hoffman (Ed.), The God image handbook for spiritual counseling and psychotherapy (pp. ۱۳۹-۱۵۵), Binghampton, NY: Haworth Press.
- Grossman, C. L, ۲۰۱۰, *How America sees God*, USA Today, p. ۱, ۲A.
- Hertel, B. R, & Donahue, M. J, ۱۹۹۵, Parental influences on God images among children: testing Durkheim's metaphoric parallelism, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. ۳۴, p. ۱۸۶-۱۹۹.
- http://uknowledge.uky.edu/gradschool_diss/vv7v.
- Lawrence, R. T, ۱۹۹۷, Measuring the Image of God: The God image inventory and the God image scales, *Journal of Psychology and Theology*, v. ۲۵(۲), p. ۲۱۴-۲۲۶.
- Okozi, Innocent, F, ۲۰۱۰, attachment to god: its impact on the psychological wellbeing of persons with religious vocation, Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy Seton Hall University.
- Peloso, J. M, ۲۰۰۸, Adult images of God: Implications for pastoral counseling, *Journal of Pastoral Counseling*, v. ۴۳, p. ۱۵-۳۱.
- Rizzuto, A, ۲۰۰۵, Psychoanalytic considerations about spiritually oriented psychotherapy, In L. Sperry & E. Shafranske (Ed.), Spiritually oriented psychotherapy (pp. ۳۱-۵۰), Washington, DC: American Psychological Association.
- Schreiber, Judith Anne, & Kentucky, Lexington, ۲۰۰۹, Image of god effect on coping, psycho-spiritual well-being and fear of recurrence in early breast cancer survivors, A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in the College of Nursing at the University of Kentucky, *Society*, v. ۲۳, p. ۲۹-۵۶.
- Vaughan, F, ۲۰۰۲, What is Spiritual Intelligence? *Journal of Humanistic Psychology*, v. ۴۲, N. ۲, p. ۱۶-۳۳.

- کاویانی، محمد، ۱۳۹۱، *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، ۱۹۸۷، ترجمه انجمن کتاب مقدس، چ دوم، تهران، فرهنگ.
- لاندین، رابرت ویلیام، ۱۹۹۶، *نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی*، ترجمه یحیا سیدمحمدی، تهران، ویرایش.
- محمدپور، احمد، ۱۳۹۰، *ضد روش*، تهران، جامعه‌شناسان.
- مسعودی، جهانگیر، ۱۳۸۶، «هرمنوتیک به مثابه روش تحقیق در علوم دینی»، *پژوهش‌های فلسفی-کلامی دانشگاه قم*، سال هشتم، ش ۳ و ۴، ص ۲۵-۵۷.
- مشایخی‌راد، شهاب‌الدین، ۱۳۸۰، *مجموعه مقالات تعلیم و تربیت دینی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۶۹، *پیشی ساده و کوتاه پیرامون حکومت اسلامی و ولایت فقیه*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
- _____، ۱۳۶۹، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
- مظاهری، محمدعلی و عباس پسندیده، ۱۳۹۰، *مثلث ایمان، الگوی ابعادی رابطه انسان با خدا*، قم، دارالحدیث.
- مظاهری، محمدعلی و همکاران، ۱۳۸۴، «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و دلبستگی به خدا با تصور از خدا»، چاپ نشده، پژوهشگاه خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل، ۱۳۹۰، *درمان روان با اسما الله*، تهران، بین‌الملل.
- موحد، مجید و مینا صفا، ۱۳۸۸، «رویکردی جامعه‌شناختی به مفهوم خدا»، *فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت*، سال هشتم، ش ۲۱، ص ۱۳۸-۱۷۵.
- موسی خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۱، *شرح دعای سحر*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۵ الف، *آداب الصلوه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۵ ب، *شرح چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۵ ج، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۵ د، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نجات، آسیه و فاطمه شهبازی‌زاده، ۱۳۹۱، *الگوی سلامت روانی در ارتباط با تصور خدا با توجه به نقش جنسیتی*، در: ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان.
- هایدگر، مارتین، ۱۹۶۲، *هستی و زمان*، ترجمه عبدالکریم رشیدی، تهران، نی.
- Baumann, Eddie K, ۲۰۰۹, The Essentials of Integration: Developing the Image of God, *Journal of SE*, v. ۱۳, N. ۴, p. ۳۲-۳۴.
- Braam, A. W, & et al, ۲۰۰۸a, God image and mood in old age: Results from a community based pilot study in the Netherlands, *Health, Religion & Culture*, v. ۱۱(۲), p. ۲۲۱-۲۳۷.
- Braam, A. W, & et al, ۲۰۰۸, God image and Five-Factor Model personality characteristics in later life: A study among inhabitants of Sassenheim in The Netherlands, *Mental Health, Religion & Culture*, v. ۱۱(۶), p. ۵۴۷-۵۵۹.